

مجله فکاهی

ملانصرالدین

نسناس، بهت گفتم بکش کنار! حالا خوب شد؟



سال ششم، شماره هشتم

فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاریِ فکاهیِ ملانصرالدین
www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی و اینديزاین، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.





















دو کلوم حرف حِیز

به قلم شلغم آقا، جناب مستطاب سردبیر

خو خدا را شکر رسیده بودیم به فینال جام حذفی ریاست جمبوری با شرکت دو تا «حاجی دکتر». یکیشون بچهٔ تبریزه، دکتر قلبوم هِن. یکی دیگشون طبق معمول، بچه مِشده، دوکتور روابط بین‌الملل با پایان نامهٔ الهیاتی.

ها؟

تعجب کردی؟

تعجب نکون! این جا ایرانه...

اولیش خعلی دوست داره کاری بوکنه، اما نمی‌تونه. دومیش هم نمی‌خواد و هم نمی‌تونه، اما خعلی دوس داره کاری بوکنه که همه بگن: «نه بابا! دیدی چی کا کرد؟»

قرار بود خدای نکرده، ای شالله به حق پنج تن اگه رئیس جمبور شد، کار نکرده، خبرگزاری‌ها هی بنویسن : «نه بابا! کا... عجب کارایی می‌کنه ای داش ما...». بعدش هم هلی‌کوپتری، چیزی پیدا می‌شد، عمودیش رو افقی می‌کرد و می‌شد شهید خدمت. یعنی چی؟ یعنی اینقذه «خدمتِ نکرده» می‌کنه که شهید می‌شه.

یه چیزهایی توو همین مایه‌ها..! ما که کلا نفهمیدیم چی شد. خودشون می‌دونن لابد..! خل که نیستن که همی جور واسه خودشون می‌بافن می‌رن جلو... لابد واسه یکی نفعی داره.

خلاصه..!

ای یکی بچه تبریزه! از همون الانش، داشتن واسه‌اش شرایط را آماده می‌کردن تا به حق پنج تن آل قبا، چهار سال بعد مهر خیانتش بخوره و کل اشتباهات مملکت بیفته گردنش. یه جور گردن گیرونه، نه... تو همین مایه‌ها..! وختی یه طرف قضیه می‌شه شهید خدمت، نمی‌باس طرف مقابل بشه خائن؟ پس فیلم هندیِ چنه؟ نه عروس داره و نه دوماد و هیچ کس هم اون آخر لت و پار نمی‌شه. ای که شد فیلم مستند...

نچ!

ما ای جوری دوس نداریم. آخرش بایس رومانتیک طور تموم بشه.

آقو بلاخره سرانجوم، تموم شد و بعدِ یه نیمه یک بر هیچ، بچه تبریزو یه گل دیگه هم زد به بچه مشهودو و دو بر هیچ بازی را برد.

آقو علآنه دعوا شده بین دو تا بچه مشهدو که قرار بود یکیشون واسه خاطر چشمون سیای یکی دیگه بره کنار تا او یکی بشه چه؟

ها... چه؟

رئیس جمبور خذمت!

اینقذه با هم تعارف تیکه پاره کردن کو نگو و نپرس!

بچه تبریزو، پر رو، گف عاقا حالو که با هم دعوا دارین، بنده فعلندش برم بشم رئیس‌جمبور مملکت تا خدا واسه چهار سال دیگه چی بخواد.

حالو این آقا که پزشکوم هِن، شده ر ئیس جمبو ر . . .

خب دادا، تعارف اومد نیومد داره..! قبول ندارین؟

خو نداشته باشین... اما عقلا منطقا داره..!

حالو داداس، دعوا مرافعتون سی چنه؟ بازی اشکنک داره، سر شکسنک داره..!

برو کنار تا چهار سال دیگه، بلکوم باد بیاد!

چهار سال دیگه بیا، ببینوم چی می‌گی...



اعتراض به نقض اصل «باطرفی»

به سبب نقض اصل «باطرفی» در انتخابات، پیشنهاد لغو انتخابات ریاست جمهوری مطرح شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، عده‌ای از مردم مؤمن و همیشه در صحنه، با خط گرفتن از عزیزان پشت صحنه، به سبب آن چه «نقض اصل باطرفی» در انتخابات عنوان کردند، به خیابان‌ها ریختند و خواستار لغو نتایج انتخابات شدند.

یکی از این عزیزان بسیار مؤمن (با دربرداشتن یک عدد ریش پر پشت و تسبیح کالفت) در این باره به خبرنگار دروازه غاری ما گفت: «ببین مملی! همممممیشه همممیشه، سیستوم این بوده که انتخابات «باطرف» باشه. یعنی اصلش اینه که خودمون موقعه شمردن رای‌ها، خودکار دستمون باشه. این بار اصن نه ما رو راه دادن، نه خودکار دادن.»

خبرنگار ما گفت: «خو لاشی وختی قرار باشه بی‌طرف باشی، خووووودکار می‌خوای چییییی کار؟»

یاروعه جواب داد: «اصل بی‌طرفی، مانه استکباره جهانیه... دژمن می‌خواد ما بی‌طرف بشیم، خُب! بعدشوم آدم خودشونو با آرای مردوم بذارن سر کار. بچه انقلابیِ حزب اللهی از این مدل جدیدا که عمرا رای بیاره. ما می‌باس کومکش کونیم.»

خدمات «اختلال» از دستاوردهای اینترنت پرسرعت

ارائهٔ خدمات گسترده در حوزهٔ اختلال در اینترنت، از جمله دستاوردهای مهم دولت سیزدهم بود.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، یکی از مسیولانِ «ستاد دستاوردسازی دولت سیزدهم» ضمن تاکید بر این خبر خاطرنشان ساخت: "فعالیت گسترده‌ای در حوزهٔ اختلال اینترنتی در دوران هزار روزهٔ دولت خدمت صورت گرفت، به طوری که اکنون کشور ما در حوزهٔ اختلال اینترنتی، با فاصلهٔ زیادی از کشورهای دیگر قرار دارد و در این زمینه فقط کرهٔ شمالی توانسته است از ما جلو بزند. چون اینترنتش اصلا قطع است که متاسفانه با اعمال نفوذ عوامل استکبار جهانی و جبههٔ کفر بر دولت خدمت، چنین امکانی هنوز پیدا نکرده‌ایم."

این مسیول که هی اسمش را می‌گفت تا ما منتشر کنیم و ما هم سر لج و لجبازی منتشر نمی‌کنیم (تا دندنش درآد) تاکید کرد: "در طول هزار روز فعالیت دولت سیزدهم، ظرفیت «اختلال در اینترنت» به دو برابر رسیده است که مشترکان کافی است با موبایل یا رایانه یا هر چیز دیگر خود ور بروید، متوجه خواهید شد که اقلا دو برابر اختلال پیدا کرده که از دستاوردهای خودمونه."

آمریکا پانصد نی‌نی ایرانی را تحریم کرد.

در پی تمام شدن سوژه‌های تحریم در ایران و دست به یقه شدن بعضی آقازاده‌های ساکن ایالات متحده با عوامل تحریم پدرانشان، کاخ سفید تصمیم گرفت، تحریم‌ها را از حالت غیر مستقیم، به حالت مستقیم تغییر دهد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، به گفتهٔ سخن‌باف کاخ سفید، در پی هتک حرمت مقام‌های کاخ سفید بر زبان مشتی آقازاده (چقده هم بد دهنن) مقرر شد که به جای سیاست «تعارف شاه عبدالجیمزی» از این پس شتر سواری دولا دولا را به شترسواری کاملا یه لا تبدیل کنیم و تحریم‌ها را مستقیما بر خود مردم ایران اعمال کنیم. به این منظور در گام نخست، مقرر شد پانصد نی نی ایرانی را از خدمات شیر خشک مخصوص محروم کنیم و در گام‌های بعدی، اسم تک تک (یعنی تک تک) مردم ایران را به دست بیاوریم و هر کدام را با ذکر نام تحریم کنیم.

نع و نعناع

پاسخ تند وزیر امور خارجهٔ موقت ایران به سخن کوچولوی جان کربی سوژهٔ رسانه‌ها شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، سخن باف کاخ سفید، در پاسخ به پرسشی در بارهٔ که آیا آمریکا آمادگی دارد با روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید در ایران مذاکرات هسته‌ای را از سر گیرد، گفتش که "نع!"

در پی آن، وزیر امورخارجهٔ موقت ایران "در اومد که نع و نعناع"

حالا کلی از مسئولین و آحاد ملت ایران پاسخ‌های متفاوتی به این "نع" سخن باف کاخ سفید داده‌اند، از قبیل "نع و نردبون" یا نع و... (وای ننه!) با عرض معذرت بعضا از ۱۸+ هم رد کرده...



CLAYTOONZ.COM JONES



گفتگو با دکتر الاغ خرنژاد

دکتر الاغ خرنژاد، دستمایه‌ای است که لحن انتقادی بسیار تلخی دارد. از یک سو، نگاهی گزنده، به «ملایان مکتب نرفته‌ای» دارد که در کسوت کارشناس حوزه‌های مختلف، در هر زمینه‌ای اظهارنظر می‌کنند و رادیو و تلویزیون را پر کرده‌اند و از سوی دیگر «اشرف مخلوقات بودن» انسان را به سخره می‌گیرد. انسانی که بازیچهٔ افکار و عقاید مختلف است و به راحتی فریب می‌خورد. دکتر الاغ خرنژاد، موجود فرزانه و متفکری است که تنها گناهش الاغ بودن است. هرچند بهتر از خیلی از آدم‌ها می‌فهمد.

- دکتر جون سلام! این ماه عجب ماه پر از حادثه‌ای بود...
• خب؟
- خب به جمالتون! برگزاری انتخابات و شکوه حضور مردمی و انتخاب یکی از اصلاح‌طلبان و شکست اصولگرایان.
• این‌ها که گفتی بیشتر از یک نفرن؟
- ای بابا! جناب دکتر... فرمایش می‌فرمایین... اصولگرایان یک جناحند و اصلاح‌طلبان جناح دیگر...
• من خرم نمی‌فهمم... دورهٔ قبل هم رقابت بین رئیسی و روحانی بود. فرقشون این بود که روحانی در اول انقلاب هی درخواست اعدام داشت و خعلی از این جماعت فعلی تندتر بود. حالا با کلاس شده... مثلا فرق بین روحانی و قالیباف را اصلا نمی‌فهمم یا مثلا جلیلی و رئیسی...
- خب اصولا رئیسی خدابیامرز با جلیلی هم فکر بودن، اما خب مردم با وجود علاقه‌ای که به رئیسی داشتند، به جلیلی رای ندادند.
• ده آخه اشتباه می‌کنی.
- چطور؟
• بخش اعظم آرای جلیلی واسه دلسوختگی مردم بود، وگرنه تو... خود توی نسناس، به کی رای دادی؟
- خب من زیاد احساساتی نیستم...
• به کی رای دادی؟
- پزشکیان...
• می‌دونی چرا جلیلی شکست خورد؟
- نع!
• واسه این که زیادی توو آینه به خودش نیگا می‌کنه... ظاهرا اهل شنیدن ترانه نیست که بگم ترانهٔ معین رو واسه خودش می‌خونه.
- کدوم ترانه؟
• قد و بالای تو رعنا را بنازم...
- دکتر شما هم بعله؟ توو کار شنیدن ترانه هستین؟
• کجا بشنوم؟ بندهٔ خدا منو بستن توو طویله، نه توو استودیو...
- پس از کجا شنیدین؟
• دختر صاب طویله هر بار می‌ذاره... من هم می‌شنفم. طفلک رو دست ننه باباش باد کرده... مث این جماعت... خخخخخ...
- کدوم جماعت؟
• همین جماعت که هر بار در انتخابات شرکت می‌کنن تا بلاخره، بخت یکیشون باز بشه...
- راستی آقای دکتر، محسن رضایی چرا انصراف داد؟
• خخخخخخخخخ
- بعله من هم فهمیدم منظورتون رضاییه...
• نه خیرا! منظور من همشونه... تو یکیشونو به من نشون بده که مث دختر ترشیده سر دل نظام نمونده باشه...
- خب خیلیاشون رد صلاحیت شدن...
• لاریجانی؟ یا احمدی‌نژاد؟ یا...
- بیشترشون...
• یه چیزی بهت بگم؟
- بفرما...



• باورت می‌شه امسال بیشتر رد صلاحیت‌ها، همونی بود که مردم هم می‌خواستن؟
- جز احمدی‌نژاد که طرفدارهاشو داشت.
• احمدی‌نژاد در شرایط تحریم انتخابات رای می‌آورد. اتفاقا موجود عجیبیه، بخش اعظم مردم در شرایط آزادی انتخابات بهش رای نمی‌دادن، اما در شرایط تحریم انتخابات رای می‌آره.
- یعنی ما دو حالت داریم...
• آره پسر جون! ما دو عرصهٔ انتخاباتی داریم؛ شرایط تحریم و شرایط آزادی انتخابات... پزشکیان تنها علت پیروزیش این بود که به قسمت آزاد ناخونک زد. هههههه خنده‌داره، نه؟
- یعنی شما علاقه‌ای به پیروزی پزشکیان نداشتین؟
• کی نظر من خر رو می‌خواد؟
- استاد خب نامزد دلخواه شما کیه؟
• ملوس..!
- ملوس دیگه کیه؟
• اون خر سفیده رو می‌بینی، ته طویله..؟
- خب؟
• خعلی سرش می‌شه... پروفوسوراست. همکلاسیم بود توو دانشگاه...
- یعنی شما می‌فرمایین، توو همین طویله دو تا دکترای روابط بین‌الملل دارین؟
• نه خیرا! اون پی اچ دی اقتصاد سیاسیه... تازه، اون یکی دانشجوی جغرافیای سیاسی بود که دیگه وسط کار خر شد، اومد توو طویله...
- یعنی توو همین طویله، شما بیشتر از انتخابات ریاست جمهوری متخصص دارین؟
• آره! چطو مگه؟ تعجب کردی؟ توو کل این مجموعه فقط صاب طویلهٔ ماست که دیپلمه اس...
- همین گاو رو می‌بینی که سرش توو آخوره و هی نگاه می‌کنه به ما؟ وختی مصاحبه‌هات تموم می‌شه، کلی دربارهٔ موضوع مصاحبهٔ تو با من بحث می‌کنه. البته زاویه دیدش بیشتر توو حوزهٔ جامعه‌شناسیه. چون جامعه شناسی سیاسی خونده... گاو شد اومد توو طویله.
• من دانشجوی لیسانسم...
- خواستی فوق لیسانس شرکت کنی، بچه‌ها هستن. کمکت می‌کنن...
• ببخشین اگه اجازه بدی بنده مرخص بشم... خدافظ..!
- خدا نگهدار عزیزم! در ضمن حافظ را هم با ظاد می‌نویسن، نه با ز...



گپ و گفت

عبود و جاسم



- موگوم جاسم! ای مردهه هست که انتخابات رو باخته... خلیلی بود، مبینی بود، همینی بود... خمینی؟

• ای گور پدر خر ملا..! یه جلیلی رو حفظ نکردی، اسم یه لشکر آدمو حفظ کردی؟

- ها درست می‌گی، همی جلیلی که مال زاکان بود و فامیلشوم هاشمی...

• نه خیر! یارو پاک قاطی کرده... اون‌ها رو ولش کن! رفیقاشن... چی شده حالا؟

- هیچی نشده... ای جا توو موبایلوم نوشته که رفته توو مچد نشسته، وسط دور و وریاش... خو..!

• باز گف خو... عبود به خدای عز و جل...

- باز رف سراغ عزت کچل... خعلی خو... تبریک داده به این یارو پزشکی نیا...

• خدایا بارلها... جهندمت که شص درجه اس، ای جا هم که پنجاه و هش درجه... جهندم و ضرر اون دو درجه رو هم بذار روش، منو ببر جهندم از شر این عبود خلاصوم کن! آمین یا رب ال...

- مگه من چی گفتم که خدا و کل فرشته‌هاش رو...

• ببین مردن تو پنج دقیقه است، اما واسه خوندن یه خبر تخمی یه ساعت به خودت می پیچی... هی منو بیدار می‌کنی؛ «موگوم»... ای موگومو زهر مار..!

- عجب گرفتاری شدیما..! تو همه‌اش خوابی... خو حوصله‌ام سر رفت...

• سیستوم چروندن جاموس همینه... او تو آب و تو توو خواب... فهمیدی؟ حالا بخون خبرو...

- هیچی دیگه حالومو گرفتی... تبریک گفته و گفته اگه کومک هم بخوای می‌دیم... اما...

• ها رفتیم سر اما... اماش چیه؟

- اماش اینه که ما هنو انتقاد می‌کنیم و نمی‌دونم، ساکت نمی‌شینیم و... موگوم ای چه جور تعارف کردنیه، همون اول کاریه؟

• داره می‌گه ببین داداش! بازی رو بردی، نوش جونت! اما خیال نکون دعوا تمومه، تازه اولشه... اگه ای ریاست جمبوری رو کوفتت نکردیم، حالا ببین!

- ها از او لحاظ..!

• پ فک کردی از این لحاظه؟ خیالت تخت! توو ای مملکت همه چی از اون لحاظه...

- از کدوم لحاظ؟

• مگه نگفتی از ای لحاظ..!

- ها..!

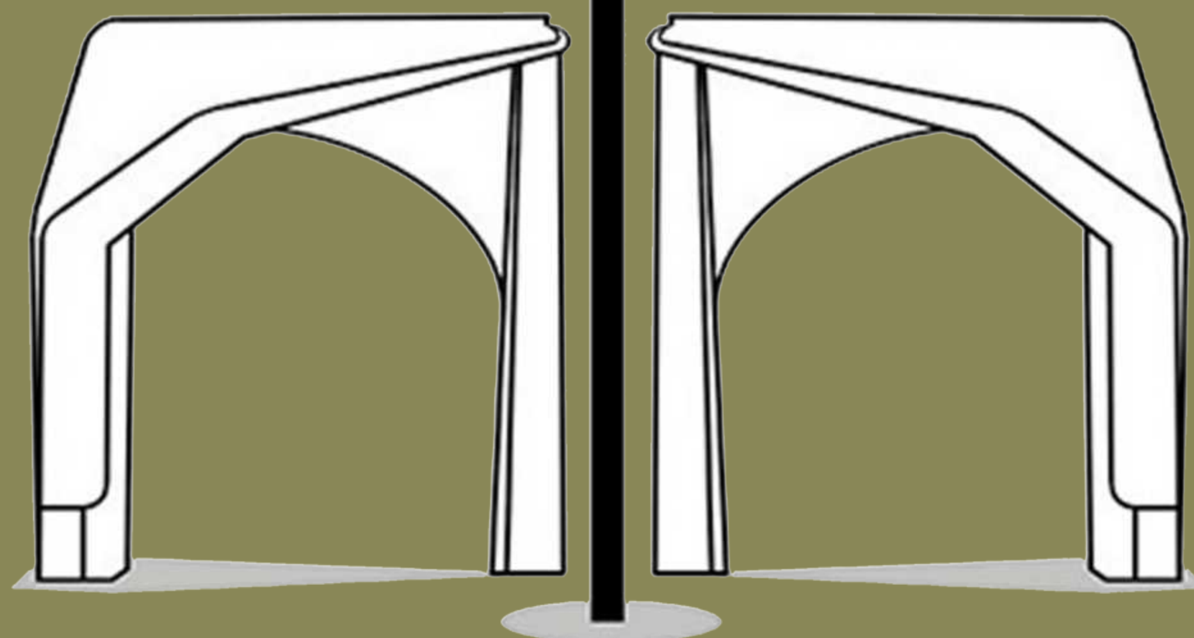
• ها و زهر مار، بگیر بخواب، یا بذار ما بخوابیم.

- نع! ما می‌رُم وسط شط با همی جاموسا حرف می‌زنوم، حوصله‌ام سر نره..!

• برو! برو..! درس سیاست به این جاموسا بده، شاید این مملکت به دست همی جاموسا نجات پیدا کرد...برو!

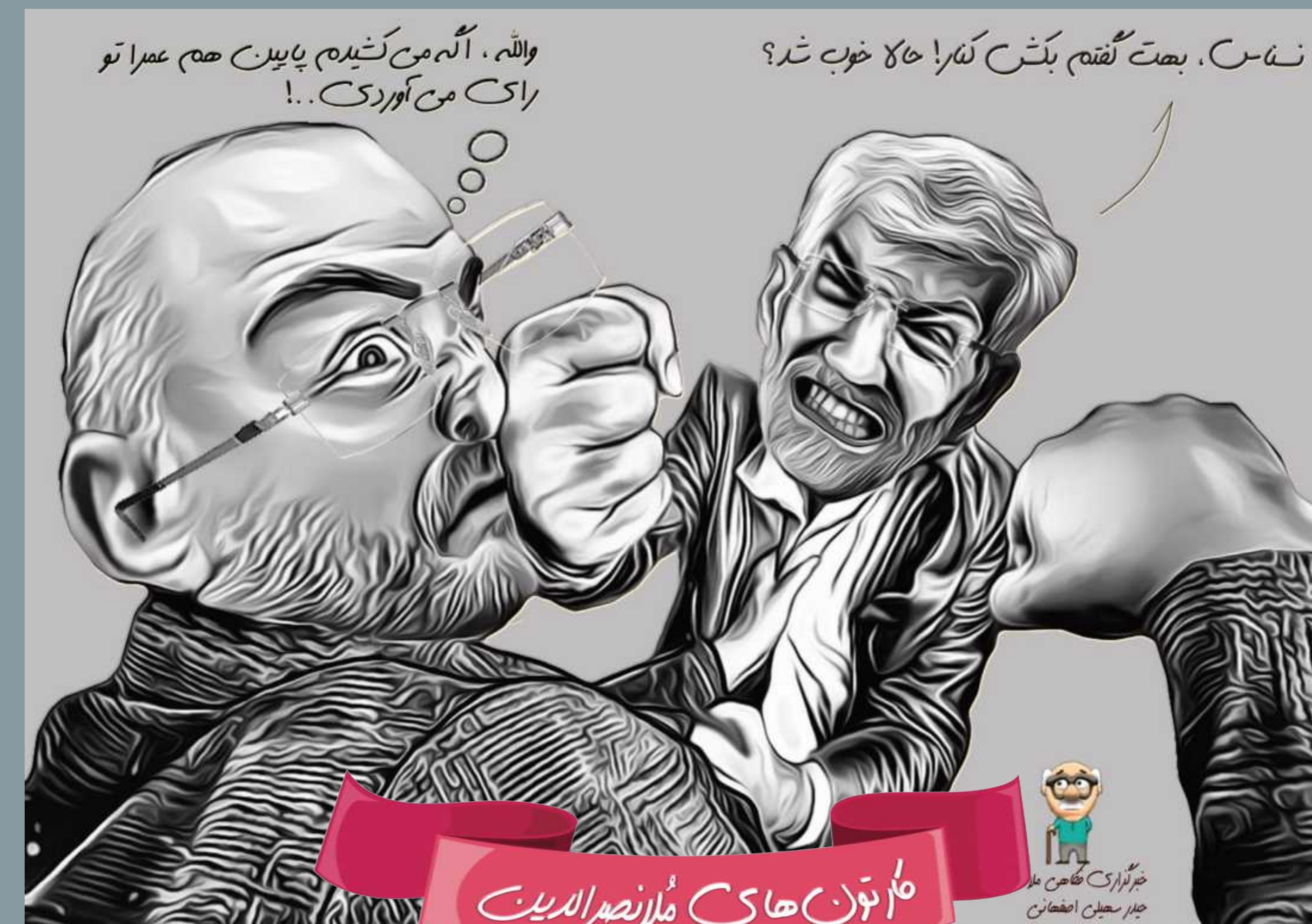


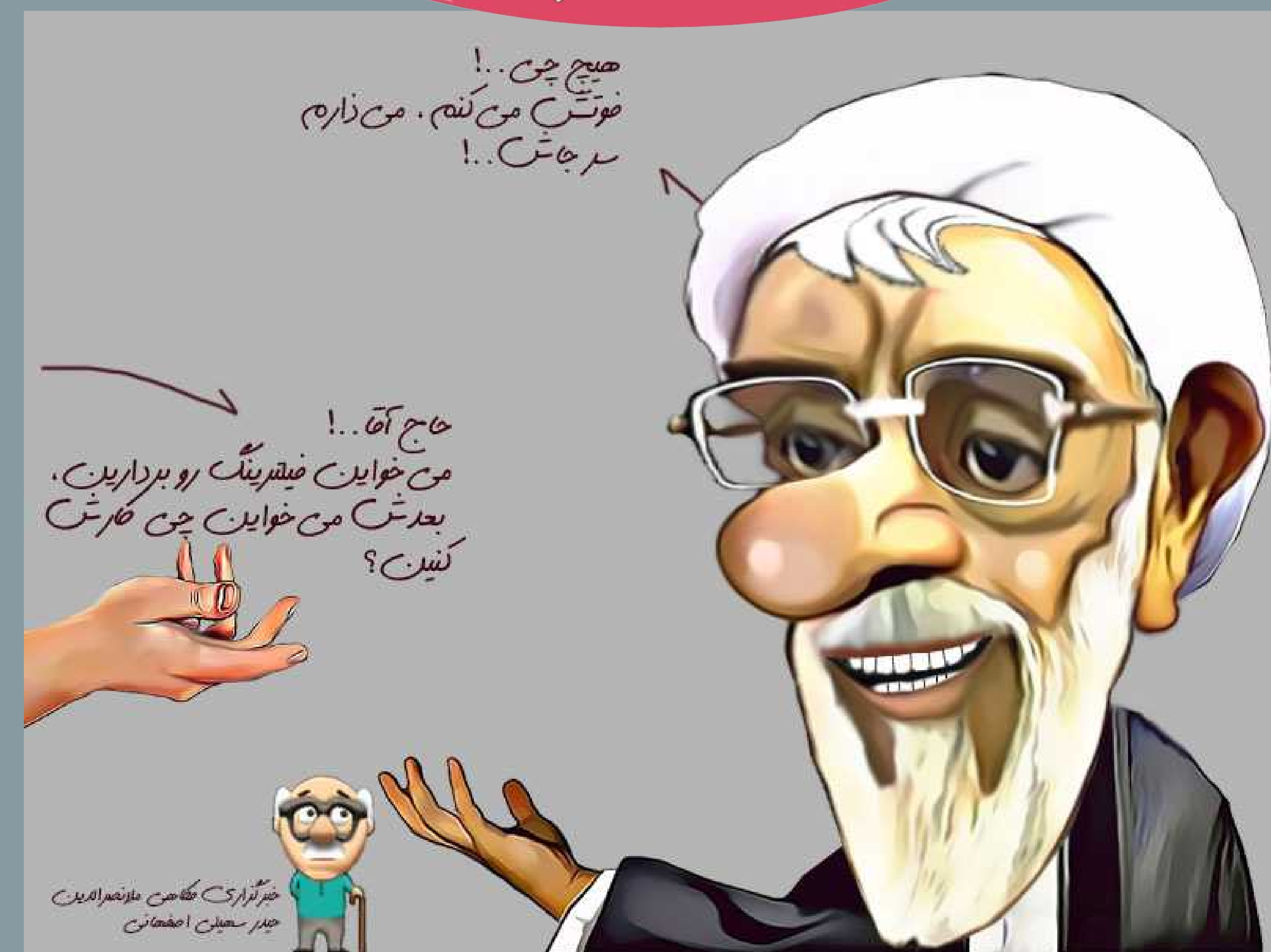




دکتر شوید تا بیکار بمانید

آمارها از بین دانش آموختگان دانشگاهی حاکی از این است که 75 درصد بیکاران فارغ التحصیل دانشگاهی هستند





فک نمی کنی وقتش شده، یک زن عهده دار ریاست جمهوری مملکت بشه؟

اتفاقا چرا... واسه خاطر همینه که می خوام دوباره نامزد بشم..!



نامه‌های جنجالی



درگذشته سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعی شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضع اتوکشیدهٔ آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و علت اصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.

گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران، محصولات بی‌ربط و ضعیفی می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چاپلین مسلمان شده است.

من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد.

در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگر بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا بخواهد برای حزب دموکرات نامه‌ای بنویسید، چه خواهد نوشت؟

سلام بر همقطاران حزبی!

برخلاف تصور همگانی که بنده اصولا توانایی ادارهٔ مملکت را ندارم؛ مریضم یا کهنسالم، من خعلی خعلی خوبم و این رو با لیندون جانسون هم در میان گذاشتم و اون هم می‌تونه به شما تاکید کنه که همینه.

هفتهٔ پیش که مایکل جکسون کنسرت جدید خودش را گذاشت، خودتون دیدین که من با مایکل رقصیدم و حتی از اون مدونای کوچولوی دوست داشتنی که روی سن می‌رقصید، عقب نموندم.

قطعا مطمئن باشین که من حریف اون رقیب مو زردم که عادت داره مثل قرمساق‌ها نگاه کنه، قوی‌تر هستم. همین حالاش می‌تونم به شما قول بدم که اون پنجاه کیلو اضافه وزن داره و یه روز وقتی داره مثل یک قرمساق حرفه‌ای به من نگاه می‌کنه، قلبش رو می‌گیره و می‌افته. اسمش چی بود؟ نیکسون؟ نه ریچارد این شکلی نبود.

رونالد ریگن هم خیلی مؤدب‌تر بود.

این جوونک باید یکی از این فرماندارهای جمهوری‌خواه تگزاسی باشه. اسم مسخره‌ای داره؛ ترومفی، تریپولی... یادم می‌آد که در ۱۹۸۴ که رئیس‌جمهور شدم هم در دور اول با من رقابت کرد، اما شکست خورد. این بار هم شکست می‌خوره.

من فقط از رونالد شکست خوردم که بازیگر حرفه‌ایه. همین دو روز پیش با من تماس گرفت و سعی کرد هویتش رو پنهان کنه، اما من زود مچش را گرفتم و بهش گفتم که رونالد، اون پیروزیت مال گذشته است و من این بار شکستت می‌دم.

ببینم! نکنه این پسرک مو زرد، همین رونالد ریگن باشه که خوش رو گریم کرده و می‌خواد این جوری مردم را فریب می‌ده. یادم باشه این بار که رفتیم مناظره، دست بندازم گیس زرد مصنوعیش رو از روی سرش بکشم و مفتضحش کنم. احتمالا خودشه.

توی مناظرهٔ قبلی که اصلا خوب نبود، من از لحن بد این پسرک گیج شده بودم. جمهوری‌خواه‌ها خیلی وقیح شدن. حتی احترام دوایت آیزنهاور را نگه نداشت که از طرف حزب جمهوری‌خواه اون جا بود و از دور برای من دست تکون داد. می‌خواستم بگم دوایت چرا خودت نامزد نمی‌شی؟ اما راستش خسته بودم و خوابم برد.

به هر صورت، متاسفانه کوتاهی از طرف شما اعضای حزب دموکرات بود که وقتی دیدید خوابم برد، بیدارم نکردید. راستش بعدها فهمیدم که اون پسرک مو زرد خیلی حرف‌های بدی زده بود. دفعه بعد می‌دونم چی کارش کنم.

بهش حالی می‌کنم که دیگه دورهٔ مک کارتیسم گذشته و اون نمی‌تونه باز بساط مک کارتیسم رو در ایالات متحده راه بندازه. من مطمئنم که اگه رونالد نیست، قطعا آدم مک کارتیه. نمی‌دونم خواب بودم یا بیدار، اون گوشهٔ نزدیک در خروجی، احساس کردم مک کارتی نشسته. البته خیلی پیر بود و کلاه شاپو سرش گذاشته بود تا شناخته نشه. خواستم صداش کنم و بگم جوزف بیا و این نوچهٔ بی‌سوادت رو از این جا جمع کن!

در هر صورت، من این بار خیلی محکم‌تر در مناظره شرکت می‌کنم و شما خواهید دید که من قبراق و سر حال، آماده‌ام تا دورهٔ بعدی ریاست جمهوری خودم را آغاز کنم. همان طور که دورهٔ قبل ریچارد نیکسون حریفم نشد، این دوره هم این پسره حریفم نمی‌شه... چی بود اسمش؟

آهان مک دونالد!

باید این اسم مستعار باشه. مطمئنم یا رونالده یا آدم مک کارتی... یکی از این دو تا... آره خودشه!

فقط حواستون باشه که ممکنه دوباره خوابم بگیره، خیلی مودبانه منو بیدار کنین.

خیلی مودبانه!

نباید به من بخندن... من هم سعی می‌کنم خیلی فکورانه نگاه کنم تا کسی نفهمه که خواب بودم.

عین این راهب‌های چینی... چی بود اسمشون؟ بودکا... بوردا؟ مهم نیست! پیغمبرشون اسم خوبی داشت. همون چاق کچله که همه‌اش می‌خنده...

پس تا بعد و دیدن حماسهٔ حضور من در مناظره...

نگران نباشین! من به جانسون هم اطمینان دادم.

اون رقص منو با مایکل دید.




روز جهانی صلح

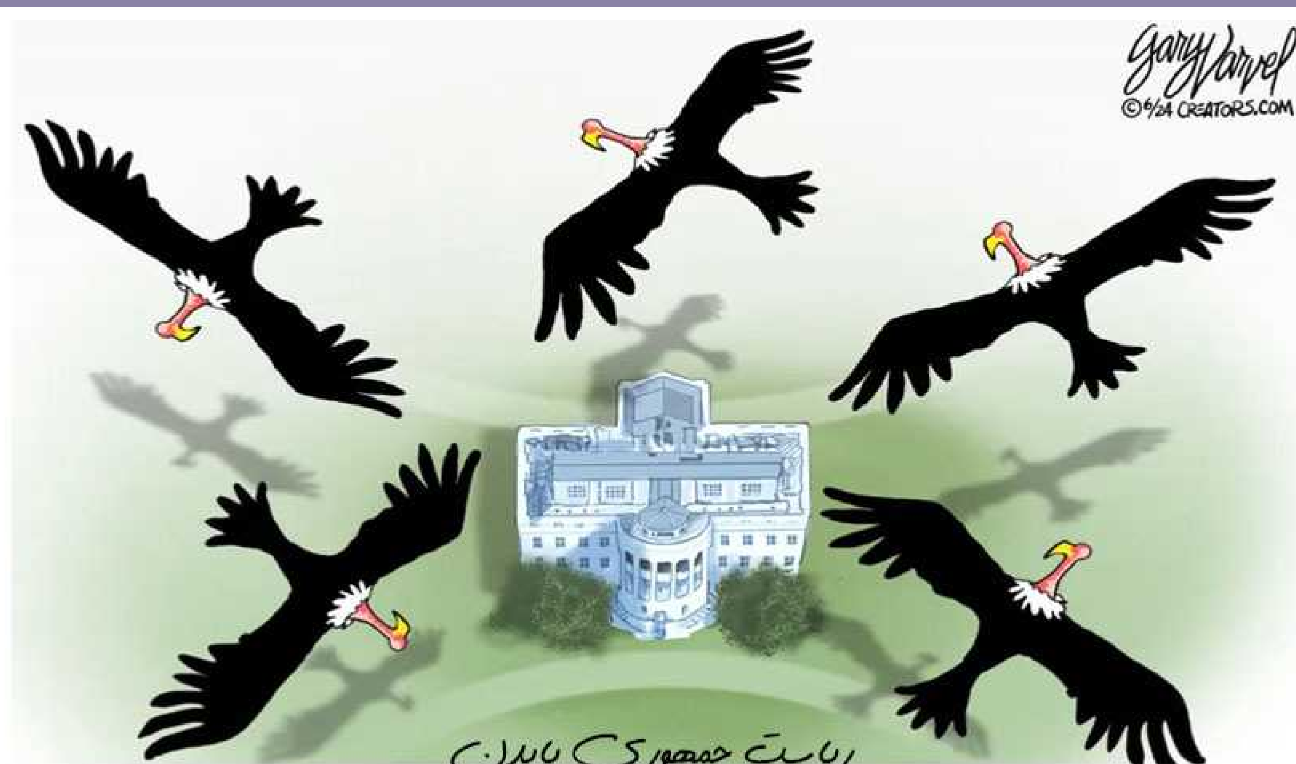

کارتون های خارجی


جنگ بانی..!


NOVEMBER
حزب دموکرات

بیدار باش!


کارتون های خارجی


©6/24 CREATORS.COM
ریاست جمهوری بایدن



اخبار خارجه

ترامپ: رای می‌دی یا نه؟

ترامپ اعلام کرد تنها در یک صورت نتیجهٔ انتخابات را می‌پذیرم که انتخابات منصفانه، قانونی و خوب برگزار شود.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، رئیس‌جمهور اسبوق آمریکا در ادامهٔ سخنش تاکید کرد: «و تنها در یک صورت انتخابات منصفانه، قانونی و خوب خواهد بود که من برنده شوم.»

خبرنگار اینترنتی ما که توانست دونالد جونشو در شبکهٔ بازی خفت کند، از او پرسید: «اگه باختی چی کار می‌کنی؟»

ترامپ به او پاسخ داد: «وختی همین جا توو همین شبکه بازی می‌بازم، چی کار می‌کنم؟»

خبرنگار ما گفت: «سلیطه بازی..!»

ترامپ تاکید کرد: «یعنی فقط شکست بخورم، چنان شری راه بندازم، چنان شری راه بندازم... عه! نامرد چی کار کردی؟ به خدا تقلب کردی... عمرا تو می‌بردی...»

خبرنگار ما پاسخ داد: «هم بیار که اگه صدات در بیاد می‌فهمونمت سلیطه بازی یعنی چی... خیال نکن این جا واشینتونه ها... این جا پایین شهر تهرونه... بفهموستی؟»

بایدن، زلنسکی رو با پوتین اشتباه گرفت

رئیس‌جمهوری آمریکا در اشاره به همتای اوکراینی‌اش، نام او را پوتین خواند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، بایدن در توجیه این امر خاطرنشان کرد: «اولندش که جفتشون ولادیمیرند. حالا این یکی ولادومیر و اون یکی ولادیمیر... تازه من هیچ وقت ندیدم زلنسکی، کفش پاش کنه، همیشه پوتین پاش می‌کنه. خب! بی‌ناموس‌ها من از کجا بفهمم که فامیلشون با هم فرق داره؟ تازه من اسمش را پوتین گذاشتم. دلش بخواد! نگفتم صندل یا دمپایی پاره! می‌دونی یه جفت پوتین آلانه چنده؟»

دادگاه اسرائیل از خلخالی مشورت خواست

دادگاه عالی اسرائیل در مواجهه با «سلیطه‌بازی» نتانیاهو، از مرحوم خلخالی رای مشورتی خواست.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، در نامه‌ای که از طرف این دادگاه برای قوهٔ قضائیه ارسال شده، تاکید شده برای مقابله با آن چه خود «سلیطه‌بازی‌های» بنیامین نتانیاهو خوانده، راهی برایش نمانده، جز گرفتن رای مشورتی از مرحوم خلخالی.

خبرنگار ما در این باره چنین گزارش می‌دهد: «من با این یاروعه آخونده که تو این دادگاه مادگاه‌های قبهٔ قضائیه نشسته حرف زدم و پرسیدم که داداش قضیهٔ این نامه چی‌چیه؟ شوما چی جواب دادین؟ گفتش که هیچی دیگه ما هم گفتیم یارو مرده و رای مشورتی نیمتونه بده. پرسیدم حالا چی چیشو می‌خواستن، گفتش که یاروعه اسرائیلیه گفته این رای مشورتی خلخالی که اولندش اعدام می‌کرد، بعدش محاکمه... می‌خوان استفاده کنن، اولندش ناتانیابو را اعدامش بکنن، خب! وختی پاش توو قبر گیر کرد، اووخ محاکمه‌اش کنن!»

با عرض پوزش از لحن لاتی خبرنگار ما... راستش پول نداریم بدیم، مجبوریم به این نکبت‌ها رو بندازیم.

فراخوان وزارت دفاع یمن برای عبور کشتی‌ها

وزارت دفاع یمن با صدور بیانیه‌ای خواستار عبور کشتی‌های حامل کالا به مقصد اسرائیل از تنگهٔ باب المندب شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، در این بیانیه تاکید شده است: «محمولهٔ موشکی تازه‌ای در اختیار دولت یمن شمالی قرار گرفته است که امکان زدن دقیق‌ترین هدف‌ها را دارد، بنابر این، از دوستان عزیزمان خواهشمندیم که با عبور از باب‌المندب، در هدف قرار دادن کشتی‌هایشان به ما کمک نمایند. ما هم دعا می‌کنیم که درگذشتگان در دریای معفرت الهی غوطه‌ور شوند.

با کمال تاسف، با کاهش عبور کشتی‌ها، موشک‌هایمان روی دستمان باد کرده... داداش نکن با ما همچین!»



خوشگل الحکایات

اگه بم رای بدی، من فیلترینگو ور می‌دارم
فقط جاشو بگو، کجا بذارم؟

تلگرامو که بستن... باریکلا..!
یوتیوب که نیست، چی بگم والله!
فیس بوک و اینستاگرام و واتس آپ
کل اجمعین حتی یه هاپ هاپ
بابا این که نشد کار..!

اگه بم رای بدی، من فیلترینگو ور می‌دارم
فقط جاشو بگو، کجا بذارم؟

جون تو اگه روحم خبر داشت...
از کی تا حالا رفته توو بازداشت؟
آخه این همه سانسور کی گذاشته؟
همین الان نوشتم شده یادداشت
تا که رای بدی، وصل می‌شه این بار..!

اگه بم رای بدی، من فیلترینگو ور می‌دارم
فقط جاشو بگو، کجا بذارم؟



اینترنت ما توو خونه وازه
به کسی نگیا، این‌ها یه رازه..!
فول اکسس و فول دسترس و فول رنگ
عمرا بچمون توو گیم ببازه..!
به محض رای دادن، جمع می‌شه این عار

اگه بم رای بدی، من فیلترینگو ور می‌دارم
فقط جاشو بگو، کجا بذارم؟

خیال نکن اگه خط ما وازه...
خدا نکرده این یه امتیازه...
شغل دولتی، هیات علمی،
مدیر چند تا شرکت قراضه، خیال نکن که رازه
از دم ضرره، چیزی نیست جز بار

اگه بم رای بدی، من فیلترینگو ور می‌دارم
فقط جاشو بگو، کجا بذارم؟





اشعرالشعرای یخته دل
حیدر سهیلی اصفهانی (صخره)

MollaNasroddin Satire Magazine 68

